

## عبدالعظیم حسنی؛ آبروی ری /بخش دوم

### فیش منبر، ولادت حضرت عبدالعظیم علیه السلام

در جلسه 628 مورخ 26/ 5/ 1389 شورای انقلاب فرهنگی، چهارم ربیع الثانی، به عنوان «روز ولادت حضرت عبدالعظیم علیه السلام» برای درج در تقویم رسمی به تصویب رسید و به آستان مقدس آن حضرت ابلاغ شد. (محمدی ری شهری، 1391، ص 18)

امامزاده بزرگوار، حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام از عالمان، عابدان، و محدثان بزرگ شیعه و شخصیت های برجسته جهان اسلام است. زمان شناسی، اعتقاد راستین به اهل بیت علیهم السلام و اخلاص و تکاپوی آن گرانمایه در پاسداری از آموزه های خاندان رسالت، ستودنی و درخور الگوگیری است. بی لاف و گزاف، مانند ما را چنانکه باید یارای توصیف و ستودن ایشان نیست؛ در عظمت آن عزیز، همین بس که امامان ما علیهم السلام از آن حضرت به بزرگی یاد کرده و زیارتش را همسان با زیارت سیدالشهدا علیه السلام دانسته اند.

در این نوشتار، به اختصار، به زندگی نامه و سلوک علمی این سید والامقام می پردازیم و به شفاعتش امید می بندیم.

### شناخت نامه حضرت عبدالعظیم علیه السلام (همان، ص 13 - 29)

#### یک - تبار

تبار حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام با چهار واسطه، به امام حسن مجتبی علیه السلام و خاندان وحی می رسد. احمد بن علی نجاشی که یکی از ارکان علم رجال است درباره نسب آن

بزرگوار می نویسد: «هنگامی که جنازه او را برای غسل برهنه می کردند، در جیب لباسش نوشته ای یافت شد که در آن، نسبش این گونه ذکر شده بود: «من ابوالقاسم، عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن علی بن حسن بن علی بن ابی طالب هستم.»<sup>1</sup> بر اساس این نسخه از رجال نجاشی، در نسب ایشان، میان وی و امام حسن علیه السلام پنج تن واسطه وجود دارد؛ اما در نسخه های معتبر این کتاب،<sup>2</sup> میان «زید» یعنی جدّ سوم ایشان و امام حسن علیه السلام شخص دیگری واسطه نیست. بنابراین، نیاکان حضرت عبدالعظیم به ترتیب، عبارت اند از:

**الف) عبدالله بن علی:** پدر حضرت عبدالعظیم علیه السلام «عبدالله» نام داشت و مادرش، «فاطمه» دختر عقبه بن قیس بود.<sup>3</sup> عبدالله، در زمان حیات جدّش «حسن بن زید» متولد شد و چون قبل از تولّدش، پدرش «علی» در زندان درگذشت، جدّش کفالت او را به عهده گرفت.<sup>4</sup> از عبدالله، به نقلی، پنج پسر و به نقلی، نه پسر<sup>5</sup> بر جای ماند که یکی از ایشان حضرت عبدالعظیم بوده است.

**ب) علی بن حسن:** نام جدّ اول حضرت عبدالعظیم علیه السلام «علی» و لقب او «سَدید»<sup>6</sup> است. وی همراه پسرعمویش عبدالله محض و گروهی دیگر از سادات حسینی، در دوران خلافت منصور بر ضدّ عباسیان قیام کرد. جمعی از آنان و از جمله وی، دستگیر و به بغداد منتقل شدند. او پس از مدّتی در زندان درگذشت.<sup>7</sup>

حسن بن زید: جدّ دوم حضرت عبدالعظیم «حسن» نام داشت. ایشان یگانه فرزند پسر زید بوده که از بزرگان عصر خودش به شمار می رفته و در بین بنی هاشم به بخشش، سخاوت و خدمت به محرومان، شهرت داشته است. وی به فرمان منصور عباسی به ولایت مدینه گمارده شد؛ ولی پس از مدّتی مورد خشم او قرار گرفت و به زندان افتاد **8** و در سال **168** قمری در هشتاد سالگی از دنیا رفت.<sup>9</sup>

**ج) زید فرزند امام حسن علیه السلام:** جدّ سوم حضرت عبدالعظیم، زید فرزند بزرگ امام حسن مجتبی علیه السلام است. او متولّی اوقاف پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بوده و به جلالت قدر، کرامت طبع، عزّت نفس و کثرت نیکوکاری، توصیف شده است. شاعران او را ستوده اند و مردم از هر سو برای برخورداری از فضلش به وی روی می آورده اند.<sup>10</sup> وی در یکصد سالگی چشم از جهان فرو بست<sup>11</sup> و در محلّی به نام «حاجز» در چند منزلی مدینه دفن گردید.<sup>12</sup>

## نگاهی گذرا به زندگی نامه نیاکان و خاندان حضرت عبدالعظیم علیه السلام نشان می دهد که این خاندان دو ویژگی برجسته داشته اند:

**اول:** پیکار با ستم و خودکامگی حاکم بر جامعه اسلامی، به گونه ای که پدر حضرت عبدالعظیم علیه السلام در زندان از دنیا رفت و ایشان پدر خود را ندید و جدّ ایشان نیز مدّتی در زندان به سر برد. **دوم:** کرامت طبع، عزّت نفس و خدمت به محرومان. ملقب شدن عبدالعظیم به حضرت «السید کریم» در این ویژگی خانوادگی آن بزرگوار ریشه دارد. 13

### دو – تاریخ تولّد و وفات

تاریخ دقیق تولّد و وفات حضرت عبدالعظیم علیه السلام مشخص نیست؛ 14 اما در برخی از منابع متأخر این گونه آمده است:

حضرت شاه عبدالعظیم که کنیه اش ابوالقاسم و ابوالفتح نیز بوده، در روز پنج شنبه چهارم ماه ربیع الآخر سنه 173 هجری قمری، مطابق 25 تیر ماه 158 یزدگردی، در زمان هارون الرشید در مدینه در خانه جدّش حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام متولّد شد و پس از مدّت 79 سال و شش ماه و یازده روز قمری عمر، در روز آدینه پانزدهم شوال المکرم سنه 252 هجری قمری، مطابق سیزده مهر ماه قدیم سنه 235 یزدگردی، در زمان المعتزّ بالله عباسی به سرای آخرت رحلت نمود. 15

همچنین در برخی از منابع متأخر از کتب نزهه الأبرار سید موسی برزنجی و مناقب العتره اثر احمد بن محمد بن فهد حلی و تاریخ نورالدین محمد سمهودی نقل شده که ولادت حضرت عبدالعظیم پنجشنبه چهارم ربیع الثانی سال 173 در مدینه و وفاتش در پانزدهم شوال 252 بوده است. (زمانی نژاد و حافظیان، 1382، ص 273)

گفتنی است، با توجه به این که در منابع کهن و معتبر، تاریخ تولّد و وفات ایشان ذکر نشده و منابع گزارش های پیش گفته، شناخته شده نیستند، این گزارش ها فاقد اعتبارند؛ اما در کتاب شریف

کافی، از حضرت عبدالعظیم علیه السلام از هشام بن حکم روایت نقل شده است. 16 تاریخ وفات هشام بن حکم، سال 199 ق، یا پیش از آن است. 17 و مظنون، این است که حضرت عبدالعظیم هنگام نقل روایت، کمتر از بیست سال نداشته است. بنابراین، تولّد ایشان باید سال 180 قمری یا پیش از آن باشد. (زمانی نژاد و حافظیان، 1382، ص 67)

همچنین بر اساس روایتی از امام هادی علیه السلام که ثواب زیارت قبر حضرت عبدالعظیم، همانند زیارت مرقد سیدالشهدا علیه السلام دانسته شده، باید بگوییم که او در دوران امام هادی علیه السلام و پیش از شهادت ایشان از دنیا رفته است و از آن جا که دوران امامت ایشان از سال 220 تا 254 قمری بوده، وفات حضرت عبدالعظیم پیش از سال 254 قمری اتفاق افتاده است.

بنابراین، بر پایه قراین یاد شده احتمال تولّد حضرت عبدالعظیم علیه السلام در سال 173 قمری، و وفات ایشان در سال 252 منطقی و معقول است، با این حال، اثبات آن به منبع معتبر نیاز دارد.

### سه – درک محضر امامان علیهم السلام

بر اساس آنچه درباره تاریخ تولّد و وفات حضرت عبدالعظیم علیه السلام گفته شد، ایشان دوران حیات پنج امام از امامان اهل بیت علیهم السلام یعنی امام کاظم تا امام عسکری را درک کرده است؛ اما این بدان معنا نیست که به محضر همه آنان هم رسیده یا از ایشان سخنی نقل کرده است.

مسلم این است که ایشان محضر امام جواد و امام هادی علیهما السلام را درک و از ایشان احادیث فراوانی نقل کرده است. همچنین اگر به روایت کتاب الاختصاص منسوب به شیخ مفید اعتماد کنیم، حضرت عبدالعظیم محضر امام رضا علیه السلام را نیز درک کرده و از ایشان روایت نموده است. 18 گفتنی است که طبق برخی از نسخه های رجال طوسی، حضرت عبدالعظیم از اصحاب امام عسکری علیه السلام شمرده

19 و در کتاب شرعه التسمیه میرداماد نیز آمده که ایشان محضر امام عسکری علیه السلام را نیز درک کرده است؛ 20 اما روایتی از آن امام، از طریق ایشان به ما نرسیده است.

## چهار - عظمت علمی

برای اثبات عظمت علمی حضرت عبدالعظیم علیه السلام کافی است بدانیم امام معصوم، مردم را برای حلّ مشکلات دینی و یافتن پرسش های اعتقادی و عملی شان، به ایشان ارجاع داده است.

صاحب بن عبّاد در رساله ای که در شرح حال حضرت عبدالعظیم علیه السلام نوشته، 21 در وصف علمی ایشان آورده: ابوتراب رویانی، روایت کرد که شنیدم ابوحمّاد رازی می گفت: خدمت امام هادی علیه السلام در سامرا رسیدم و درباره حلال و حرام از ایشان مطالبی پرسیدم. امام به پرسش های من پاسخ دادند و هنگامی که خواستم از ایشان خدا حافظی کنم به من فرمودند: « ای ابو حماد، هنگامی که چیزی از امور دینی در منطقه ات برای تو مشکل شد، از عبدالعظیم بن عبدالله حسنی بپرس و سلام مرا به او برسان». (صحفی و زمانی نژاد، 1382، ص 23)

این تعبیر، به روشنی نشان می دهد که حضرت عبدالعظیم در عصر خود، مجتهدی توانمند بوده که بر اساس اصول و قواعدی که از اهل بیت علیهم السلام در اختیار داشته، می توانسته دیدگاه های اسلام ناب را در زمینه های مختلف اعتقادی و عملی، استخراج کند و به پرسش های مردم پاسخ گوید.

بنابراین، ایشان تنها محدّث و راوی احادیث اهل بیت علیهم السلام نبوده است؛ بلکه از علمای بزرگ خاندان رسالت بوده که پس از معصومان، توان پاسخ گویی به مسائل علمی را داشته و توانمندی علمی اش به تأیید و تصدیق امام هادی علیه السلام رسیده است.

## پنج - تألیفات

مرحوم نجاشی در کتاب رجال خود - که با موضوع «مؤلفان شیعه» تألیف شده - از حضرت عبدالعظیم حسنی نام برده و کتاب خطب امیرالمؤمنین علیه السلام را به وی نسبت داده است. 22 چه بسا سید رضی رحمه الله در تدوین نهج البلاغه از این کتاب استفاده کرده باشد و این کتاب از مصادر اصلی نهج البلاغه باشد. نجاشی در پایان شرح حال حضرت عبدالعظیم علیه السلام سند خودش را به روایات ایشان، از طریق استادش ابن نوح، به حضرت عبدالعظیم می رساند. 23

شیخ طوسی نیز در کتاب الفهرست خود - که موضوع آن، معرفی مؤلفان و مصنفان شیعه است - از حضرت عبدالعظیم نام می برد و می گوید: «له کتاب». سپس سند خودش را به احمد بن ابی عبدالله برقی می رساند که او از حضرت عبدالعظیم علیه السلام نقل حدیث می کند. 24

صاحب بن عباد نیز در احوال حضرت عبدالعظیم علیه السلام عبارت «له کتاب یسمه کتاب یوم و لیله» را آورده است. 25

### شش - عظمت معنوی

مهم ترین نشانه عظمت معنوی و مقامات باطنی حضرت عبدالعظیم علیه السلام برابری فضیلت زیارت مزار آن بزرگوار، با فضیلت زیارت سیدالشهدا علیه السلام است.

شیخ المحدثین، صدوق قدس سره، از محمد بن یحیی عطار که یکی از اهالی ری بوده است این گونه نقل کرده که: خدمت امام هادی علیه السلام رسیدم. ایشان فرمودند: «کجا بوده ای؟»

گفتم: حسین بن علی علیه السلام را زیارت کردم. امام هادی علیه السلام فرمودند:

«أما إنَّک لَوُزِّرْتَ قَبْرَ عَبْدِ الْعَظِيمِ عِنْدَکُمْ کُنْتَ کَمَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ؛ بدان که اگر قبر عبدالعظیم را در شهر خودتان زیارت کنی، مانند کسی هستی که حسین بن علی علیه السلام را زیارت کرده باشد». 26

برای توضیح این روایت و تبیین عظمت معنوی حضرت عبدالعظیم علیه السلام باید موضوعاتی مانند فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام و مقصود از برابری زیارت حضرت عبدالعظیم با زیارت سیدالشهدا علیه السلام و حکمت آن، بررسی شود.

### الف) فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام

در احادیث اهل بیت علیهم السلام فضایل، آثار و برکات فراوانی برای زیارت امام حسین علیه السلام بیان شده است؛ مانند: آمرزیده شدن گناهان، دعای فرشتگان، دعای اهل بیت علیهم السلام طولانی شدن عمر، افزوده شدن روزی، زدوده شدن اندوه، شادی دل، تبدیل شدن بدی ها به خوبی ها،

تبدیل شدن شقاوت به سعادت، و برخورداری از حق شفاعت. همچنین در شماری از احادیث، فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام بیشتر از حج و حتی طبق برخی از احادیث، ثواب آن، بیش از هزار حج و هزار عمره شمرده است. 27

## **ب) مقصود از برابری زیارت عبدالعظیم با زیارت سید الشهداء علیه السلام**

مسئله این است که بر اساس حدیث یاد شده، آیا زیارت حضرت عبدالعظیم علیه السلام به طور مطلق می تواند جانشین زیارت امام حسین علیه السلام شود یا در شرایط خاصی، از چنین فضیلتی برخوردار است؟ در یک جمله، آیا برابری زیارت حضرت عبدالعظیم و زیارت امام حسین علیه السلام مطلق است یا مقید؟

بی تردید، مقصود امام هادی علیه السلام در حدیث یاد شده، این نیست که از فضایل زیارت امام حسین علیه السلام بکاهد یا در بیان فضیلت حضرت عبدالعظیم مبالغه کند.

بنابراین، در پاسخ به سؤالی که مطرح شد، می توان گفت: برابری فضیلت زیارت عبدالعظیم علیه السلام و امام حسین علیه السلام مقید است به فضای سیاسی ویژه ای که پیروان اهل بیت علیهم السلام در آن مقطع تاریخی در آن زندگی می کردند، در زمانی که اختناق شدیدی جهان اسلام را فراگرفته بود و جامعه تشیع در دوران زمامداری افرادی مانند متوکل، معتز و معتمد عباسی، سخت ترین دورانهای تاریخی خود را سپری می کرد.

در چنین اوضاعی امام هادی علیه السلام برای پیشگیری از خطرهایی که از طرف حکومت های وقت، شیعیان را تهدید می کرد، فضیلت زیارت حضرت عبدالعظیم را با زیارت امام حسین علیه السلام برابر دانسته است. به تعبیری روشن تر، زیارت حضرت عبدالعظیم علیه السلام برای کسانی که آمادگی خطرپذیری برای زیارت امام حسین علیه السلام را داشته باشند، پاداشی معادل زیارت آن حضرت دارد و حرم حضرت عبدالعظیم علیه السلام شعبه ای از حرم سید الشهداء علیهما السلام است و این خود، فضیلتی بزرگ و حاکی از جایگاه بلند عبدالعظیم در نزد اهل بیت علیهم السلام و عظمت معنوی ایشان است.

## ج) حکمت برابری زیارت عبدالعظیم علیه السلام با زیارت سیدالشهدا علیه السلام

برابری فضیلت زیارت حضرت عبدالعظیم با زیارت سالار شهیدان هرچند در شرایط ویژه بی تردید بدون حکمت نیست. شاید نتوان به حکمت آن پی برد، اما راز و رمز این فضیلت بزرگ را باید در شخصیت علمی، عملی و جهادی آن بزرگوار، جست و جو کرد.

در میان امام زادگان، شخصیت های بزرگی وجود دارند؛ اما درباره هیچ یک از آنها نقل نشده و حداقل به ما نرسیده که زیارتش با زیارت سیدالشهدا برابری کند.

بنابراین، حضرت عبدالعظیم علیه السلام باید از خصوصیات و مقامی برخوردار باشد که از مرقد مطهرش نور حرم حسینی ساطع می گردد و شمیم دل انگیز سیدالشهدا از آن استشمام می شود.

گفتنی است که احادیث دیگری نیز در فضیلت زیارت حضرت عبدالعظیم علیه السلام نقل شده اند، مانند آنچه از شهید ثانی در تعلیقه خلاصه الاقول علامه حلی از امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمودند:

هر کس قبر عبدالعظیم را زیارت کند، بر خدا لازم می شود که او را داخل بهشت کند 28 در حدیث دیگری از آن امام آمده که فرمودند:

«هرکس نمی تواند مرا زیارت کند، برادرم عبدالعظیم حسنی را در ری زیارت کند» 29

لیکن این احادیث، علاوه بر ارسال و ضعف سند، از نظر تاریخی نیز خدشه پذیرند؛ زیرا حضرت عبدالعظیم علیه السلام سال ها پس از شهادت امام رضا علیه السلام زنده بوده است، مگر این که بگوییم از اخبار غیبی امام رضا علیه السلام هستند.

## هفت – روایات حضرت عبدالعظیم علیه السلام

بخش قابل توجهی از کتاب هایی که در شرح حال حضرت عبدالعظیم علیه السلام تألیف شده اند، به روایاتی اختصاص یافته اند که در سلسله سند آنها قرار گرفته است، مانند: کتاب جنّات النعیم،

30 شصت روایت؛ روح و ریحان، 3157 روایت؛ التذکره العظیمیه، 32 چهل روایت؛ عبدالعظیم الحسنى حیاته و مسنده، 33 78 روایت؛ مسند حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام که در مجموعه آثار کنگره حضرت عبدالعظیم علیه السلام به چاپ رسیده، یکصد و بیست روایت. 34 صاحب بن عباد نیز ایشان را «کثیرالحديث و الروایه» دانسته و در رساله کوتاه خود، ایشان را چنین توصیف کرده است:

ذو ورع و دین، عابد معروف بالامانه و صدق اللهجه، عالم بامور الدین، قائل بالتوحید و العدل، کثیرالحديث و الروایه. 35

[عبدالعظیم] شخصی پرهیزگار و دیندار بود. اهل عبادت بود و به امانتداری و راستگویی شهرت داشت. به امور دینی دانا بود. توحید و عدل را باور داشت و بسیار حدیث و روایت از اهل بیت علیهم السلام نقل می کرد.

همان گونه که پیش از این اشاره شد، کتاب «خطب امیرالمؤمنین علیه السلام» و کتاب «یوم و لیله» از جمله مصنّفات ایشان است، و بر این اساس باید گفت: بسیاری از روایات حضرت عبدالعظیم علیه السلام به علل مختلف به ما نرسیده اند.

## هشت – مهاجرت به ری

جزئیات مسائل مربوط به علل مهاجرت حضرت عبدالعظیم علیه السلام به شهرری، مشخص نیست؛ اما می توان گفت که سابقه مبارزاتی خاندان آن بزرگوار از یک سو، و شخصیت علمی و جهادی و ارتباط بسیار نزدیک حضرت عبدالعظیم با اهل بیت علیه السلام از سوی دیگر، موجب شدند که ایشان در سال های پایانی زندگی، تحت تعقیب حکومت وقت، قرار گیرد. از این رو، برای ادامه فعالیت ها و چه بسا با اشاره امام هادی علیه السلام زندگی مخفی را انتخاب کرد، و با لباس پیک و به صورت مسافری ناشناس، وطن اصلی خود را ترک کرد و شهرهای مختلفی را پشت سر گذاشت تا آن که در شهرری در مکانی به نام «سربان» رحل اقامت افکند و در خانه یکی از پیروان اهل بیت علیه السلام سکونت یافت. روزها روزه بود و شب ها به عبادت می پرداخت و گاه مخفیانه از خانه ای که

در آن ساکن بود، خارج می شد و به زیارت قبری که هم اکنون در مقابل مزار او قرار دارد، می رفت و می فرمود: این، قبر مردی از فرزندان موسی بن جعفر علیه السلام است .

معلوم نیست که حضرت عبدالعظیم علیه السلام چند سال در شهرری سکونت داشته است. مسلم این است که ایشان به قدری در این شهر بوده که بیشتر شیعیان ری، کم کم با ایشان آشنا شده بودند، 36 و با در نظر گرفتن اینکه ایشان به شدت تحت تعقیب بوده و ارتباط تک تک مردم با او چه بسا مدت ها طول می کشید، می توان گفت: احتمالاً ایشان چند سال از سال های پایانی عمر خود را در ری گذرانده است. همچنین رفت و آمد بیشتر با وی، حاکی از فعالیت های فرهنگی و سیاسی اوست .